

تحلیل و واکاوی ابعاد حقوقی نظام پارلمانی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۱۲/۰۳)

جواد قربانپور دشتکی

چکیده

این مقاله به تحلیل ابعاد حقوقی نظام پارلمانی با تمرکز بر تعاملات میان قوا و نقش نظارت پارلمانی در تقویت دموکراسی و مسئولیت پذیری پرداخته است. هدف اصلی این تحقیق، بررسی چگونگی تأثیر تعاملات قوا و نظارت های حقوقی بر تقویت کارکردهای نظام های پارلمانی در کشورهای مختلف است. برای این منظور، تحلیل تطبیقی میان چهار کشور بریتانیا، آلمان، هند و کانادا انجام شده است. در این تحقیق از روش تجزیه و تحلیل اسنادی و مقایسه تطبیقی استفاده شده و به شناسایی ویژگی های خاص حقوقی و چالش های اجرایی این کشورها پرداخته شده است. نتایج نشان می دهد که نظارت مؤثر پارلمان بر دولت ها، به ویژه از طریق سازوکارهایی مانند سوالات کتبی و شفاهی، به تقویت شفافیت و مسئولیت پذیری در نظام های پارلمانی کمک می کند. این نظارت ها در کشورهای بریتانیا و آلمان بسیار مؤثر هستند و موجب کاهش فساد و افزایش اعتماد عمومی می شود. با این حال، در کشورهایی مانند هند، مشکلات ساختاری پیچیده تری در فرآیندهای تقنینی و نظارتی مشاهده می شود که می تواند بر کارآمدی دولت ها و شفافیت نظارت ها تأثیر منفی بگذارد. همچنین، بحران های حقوقی ناشی از ناهماهنگی در تفکیک قوا و نظارت های غیرقانونی در زمان بحران ها، مانند جنگ ها و شرایط اضطراری، می تواند منجر به بحران های دموکراتیک و حقوقی شود. مقاله به لزوم اصلاحات در سیستم های حقوقی نظام های پارلمانی برای حفظ تعادل میان قوا و جلوگیری از نقض حقوق فردی در شرایط بحرانی تأکید می کند. این اصلاحات می تواند به تقویت دموکراسی و حکمرانی مؤثر در کشورهای مختلف کمک کند.

واژگان کلیدی: نظام پارلمانی، نظارت پارلمانی، مسئولیت پذیری، تفکیک قوا، دموکراسی.



مقدمه

نظام پارلمانی یکی از اشکال حکومتی است که در آن رئیس دولت، نخست‌وزیر، از دل پارلمان برگزیده می‌شود و این نظام ویژگی‌های خاصی دارد که آن را از سایر نظام‌های حکومتی متمایز می‌کند. در این مدل، ارتباط و تعامل میان قوا به‌ویژه قوه مجریه و مقننه، به‌گونه‌ای تنظیم می‌شود که نخست‌وزیر و کابینه باید از حمایت اکثریت پارلمان برخوردار باشند تا بتوانند به اجرای برنامه‌های خود ادامه دهند [۱]. این ویژگی‌های خاص، به‌ویژه در زمینه حقوق اساسی، مسئولیت‌پذیری دولت و نظارت پارلمانی، این سیستم را به یکی از مهم‌ترین مدل‌ها در ساختار حکومتی کشورهای مختلف تبدیل کرده است. هدف اصلی این مقاله مروری، تحلیل ابعاد حقوقی نظام پارلمانی با تمرکز بر تعامل میان قوا و بررسی نحوه تأثیر آن بر تقویت دموکراسی و مسئولیت‌پذیری در کشورهای مختلف است.

تحلیل ابعاد حقوقی نظام پارلمانی شامل بررسی مفاهیم اساسی چون اصل تفکیک قوا، مسئولیت‌پذیری دولت‌ها، و نظارت بر فعالیت‌های اجرایی است. در بسیاری از کشورهای پارلمانی، به‌ویژه کشورهای عضو اتحادیه اروپا، ساختارهای قانونی به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که امکان تعامل مستمر میان قوا فراهم باشد. اصل تفکیک قوا، که یکی از ارکان اصلی نظام‌های پارلمانی است، در این مقاله به‌طور خاص مورد توجه قرار خواهد گرفت. تفکیک قوا در نظام‌های پارلمانی به‌ویژه در کشورهایی که مدل‌های دموکراتیک پیشرفته دارند، نقش مهمی در ایجاد تعادل و کنترل قدرت ایفا می‌کند. این مقاله همچنین به تحلیل چگونگی نظارت پارلمان بر دولت و مسئولیت‌پذیری آن‌ها در برابر شهروندان خواهد پرداخت که یکی از مسائل مهم و پیچیده در سیستم‌های پارلمانی به شمار می‌آید [۲].

تحلیل روابط میان قوا در نظام‌های پارلمانی نیز یکی از جنبه‌های مهم حقوقی است که در این مقاله به آن پرداخته می‌شود. در این نظام‌ها، نخست‌وزیر به عنوان رئیس قوه مجریه، باید از حمایت اکثریت نمایندگان پارلمان برخوردار باشد. این ویژگی به نظام پارلمانی امکان می‌دهد تا تغییرات در دولت و کابینه به‌طور سریع و مؤثر در پاسخ به تحولات سیاسی و اجتماعی صورت گیرد [۳].



پیشینه پژوهش‌های انجام شده در زمینه تحلیل حقوقی نظام‌های پارلمانی به وضوح نشان می‌دهد که مطالعات زیادی بر روی مقایسه ساختارهای مختلف حکومتی و تاثیر آن‌ها بر دموکراسی، قانون‌گذاری و کنترل قدرت انجام گرفته است. پژوهشگران مختلفی به مطالعه ساختار اجرایی، نظارت پارلمانی و چگونگی تعامل قوا در کشورهای پارلمانی پرداخته‌اند [۴]. از جمله تحقیقات برجسته می‌توان به بررسی ساختارهای پارلمانی در کشورهای اروپایی مانند بریتانیا، فرانسه و آلمان اشاره کرد. این پژوهش‌ها به تحلیل تغییرات حقوقی در پی تحولات تاریخی و سیاسی و چگونگی واکنش سیستم‌های پارلمانی به بحران‌های داخلی و خارجی پرداخته‌اند. در این راستا، تحقیقاتی که به مقایسه حقوق اساسی و سازوکارهای نظارتی در کشورهای مختلف پرداخته‌اند، به‌ویژه در بررسی چالش‌های اجرایی و حقوقی در سیستم‌های پارلمانی در دوره‌های زمانی مختلف از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.

این مقاله به تحلیل ابعاد حقوقی نظام پارلمانی و ارزیابی نحوه اجرای آن در کشورهای مختلف می‌پردازد، با تأکید بر شفاف‌سازی نقاط قوت و ضعف این سیستم‌ها. مقاله به بررسی تأثیر شرایط فرهنگی، تاریخی و سیاسی هر کشور بر پیاده‌سازی ویژگی‌های مختلف نظام پارلمانی، به‌ویژه در کشورهای پیشرفته‌ای چون بریتانیا، آلمان و هند، می‌پردازد. همچنین، هدف آن ارائه پیشنهادهایی برای بهبود کارکرد این سیستم‌ها از منظر حقوقی است تا با اصلاحات قانونی و تقویت نظارت‌های حقوقی، نقاط ضعف آن‌ها کاهش یابد و کارایی دولت‌ها و پارلمان‌ها ارتقا یابد. این تحقیق می‌تواند منبعی معتبر برای پژوهشگران، سیاست‌گذاران و حقوق‌دانان در زمینه حقوق اساسی و قانون‌گذاری در نظام‌های پارلمانی باشد.

بخش اول: روش پژوهش

مقاله حاضر به‌عنوان یک مقاله مروری، بر پایه تحلیل و بررسی منابع علمی و مستند موجود در حوزه حقوق عمومی و نظام‌های پارلمانی نگاشته شده است. در این تحقیق، از روش تجزیه و تحلیل اسنادی استفاده شده است که مبتنی بر مرور گسترده و دقیق مقالات علمی، کتاب‌ها، گزارش‌های دولتی و مستندات معتبر در زمینه حقوق اساسی و ساختار نظام‌های پارلمانی در کشورهای مختلف است. داده‌ها و اطلاعات موجود از منابع



مختلفی چون ژورنال‌های حقوقی معتبر، گزارش‌های بین‌المللی و متون حقوقی به‌ویژه از کشورهای با نظام‌های پارلمانی پیشرفته و نمونه‌های تطبیقی استخراج شده است. این تحقیق به دنبال شناسایی و تحلیل ابعاد حقوقی سیستم‌های پارلمانی در عرصه‌های مختلف از جمله تقنین، نظارت، مسئولیت‌پذیری، و تعامل میان قواست. یکی از مراحل کلیدی در این مقاله، تحلیل تطبیقی میان نظام‌های پارلمانی مختلف است که در آن از مقایسه تطبیقی به عنوان روش اصلی استفاده شده است. مقایسه تطبیقی در این مقاله با هدف شناخت ویژگی‌های خاص هر نظام پارلمانی و بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها در نحوه پیاده‌سازی اصول حقوقی انجام می‌شود. به‌ویژه، کشورهای پیشرفته‌ای چون بریتانیا، آلمان، کانادا و هند به عنوان نمونه‌های اصلی برای تحلیل انتخاب شده‌اند. برای این کار، در ابتدا ساختارهای حقوقی و اساسی هر کشور به دقت مورد مطالعه قرار گرفته و سپس نحوه تعامل پارلمان و دولت، نظارت‌های حقوقی و سازوکارهای اجرایی آن‌ها تحلیل و مقایسه شده است. این مقایسه تطبیقی به روشن شدن نقاط قوت و ضعف هر یک از این نظام‌ها و کشف الگوهای موفق یا چالش‌های اجرایی در سیستم‌های پارلمانی کمک می‌کند.

در این مقاله، علاوه بر استفاده از منابع ثانویه، تحلیل‌های کیفی نیز به کار گرفته شده است. این تحلیل‌ها شامل ارزیابی و بررسی محتوای مستندات قانونی، اصول حقوقی و تجربیات واقعی کشورها در اجرای نظام پارلمانی است. داده‌های کیفی از گزارش‌های دولتی، مصوبات پارلمانی و تحلیل‌های حقوقی استخراج شده و در کنار داده‌های کمی به‌ویژه در زمینه نرخ مشارکت سیاسی، میزان ثبات سیاسی و شفافیت در فرآیندهای قانونی و اجرایی قرار گرفته‌اند. این داده‌ها به‌ویژه در بخش‌هایی که مربوط به نحوه نظارت بر دولت‌ها، مسئولیت‌پذیری و روابط میان قواست، می‌توانند به درک عمیق‌تری از کارکرد حقوقی و عملی نظام‌های پارلمانی کمک کنند.

این مقاله از روش تجزیه و تحلیل محتوای حقوقی استفاده کرده است. در این روش، محتوای قوانین اساسی، لایحه‌ها و آیین‌نامه‌های اجرایی کشورهای مختلف به‌ویژه در زمینه‌های تقنینی و نظارتی مورد بررسی قرار گرفته است. علاوه بر این، مقالات علمی و کتاب‌های مرجع در حوزه حقوق عمومی و سیستم‌های حکومتی، که به تحلیل ویژگی‌های حقوقی و چالش‌های اجرایی نظام‌های پارلمانی پرداخته‌اند، در راستای تقویت



دیدگاه‌های نظری و مستند علمی مقاله به کار رفته‌اند. این شیوه از تحلیل به ارائه یک چارچوب نظری جامع و مستند در رابطه با ابعاد حقوقی نظام پارلمانی و تاثیر آن بر فرآیندهای دموکراتیک و قانونی کمک می‌کند.

بخش دوم: نتایج پژوهش

بند اول: تحلیل تطبیقی ابعاد حقوقی نظام‌های پارلمانی در کشورهای منتخب

تحلیل تطبیقی ابعاد حقوقی نظام‌های پارلمانی در کشورهای مختلف به عنوان یک ابزار اصلی برای درک تفاوت‌ها و شباهت‌های میان سیستم‌های حکومتی مختلف است. در این بخش، نظام‌های پارلمانی چهار کشور منتخب شامل بریتانیا، آلمان، هند و کانادا مورد بررسی قرار می‌گیرد. این کشورها هر کدام با ویژگی‌های خاص خود و ساختارهای حقوقی متفاوت، مدل‌های منحصر به فردی از نظام‌های پارلمانی را ارائه می‌دهند. هدف این تحلیل، شناسایی و بررسی نقاط قوت و ضعف هر کدام از این مدل‌ها از منظر حقوقی، به ویژه در زمینه‌های تقنینی، نظارتی، مسئولیت‌پذیری و تعامل میان قوا است [۵].

در بریتانیا، نظام پارلمانی تحت تاثیر اصول قانون اساسی نانوشته قرار دارد که بیشتر بر پایه سوابق تاریخی و عرف‌ها استوار است. این ساختار موجب انعطاف‌پذیری بالای سیستم پارلمانی بریتانیا می‌شود، ولی در عین حال به چالش‌هایی مانند ابهام در تفکیک قوا و اختیارات گسترده نخست‌وزیر منجر شده است. طبق داده‌های آماری، بریتانیا دارای یکی از بالاترین نرخ‌های مشارکت سیاسی در میان کشورهای پارلمانی است، به طوری که در انتخابات عمومی اخیر، مشارکت رای‌دهندگان به حدود ۶۷ درصد رسید که نشان‌دهنده پایداری و کارآمدی این نظام در جذب حمایت عمومی است. از نظر حقوقی، نظارت بر نخست‌وزیر در بریتانیا بیشتر از طریق رسانه‌ها و پارلمان انجام می‌شود، ولی در برخی مواقع ضعف‌های نظارتی مشاهده شده است که نیاز به اصلاحات قانونی را برجسته می‌کند [۶].

در آلمان، نظام پارلمانی به طور کامل از اصول حقوقی مشخصی پیروی می‌کند که در قانون اساسی این کشور (قانون اساسی جمهوری فدرال آلمان) مشخص شده است. این نظام دارای ویژگی‌های خاصی است که به آن اجازه می‌دهد تا تعادل و تقسیم قدرت را به طور مؤثری حفظ کند. یکی از ویژگی‌های برجسته



سیستم پارلمانی آلمان، وجود نظارت‌های دقیق و شفاف بر دولت است که از طریق پارلمان و دادگاه‌های فدرال انجام می‌شود. طبق داده‌های حقوقی، در آلمان، قدرت اجرایی نخست‌وزیر به‌طور مستقیم از حمایت پارلمان حاصل می‌شود و این حمایت می‌تواند در صورت از دست دادن اکثریت پارلمانی از میان برود. در سال ۲۰۲۱، میزان رضایت عمومی از عملکرد پارلمان آلمان در حدود ۷۰ درصد بود که نشان‌دهنده موفقیت این نظام در جلب حمایت عمومی و تضمین مسئولیت‌پذیری است [۷].

در هند، با وجود شباهت‌هایی که با نظام پارلمانی بریتانیا دارد، تفاوت‌های مهمی در چگونگی اجرای اصول حقوقی در سیستم‌های دولتی و نظارتی مشاهده می‌شود. به‌ویژه، در هند، مسئولیت‌پذیری دولت‌ها تحت نظارت پارلمان به‌طور مؤثر در راستای حفظ وحدت ملی و مدیریت تنوع‌های قومی و فرهنگی قرار دارد. داده‌های کیفی از گزارش‌های نظارتی در هند نشان می‌دهد که برخی از مشکلات ساختاری در سیستم حقوقی هند، به‌ویژه در فرآیند تصویب قوانین، منجر به کندی در اجرایی شدن اصلاحات شده است. با این حال، در این کشور با جمعیتی بالغ بر ۱.۴ میلیارد نفر، تعداد نمایندگان پارلمان به بیش از ۵۰۰ نفر می‌رسد که چالشی جدی برای مدیریت کارآمد نظارت‌ها و تصمیم‌گیری‌ها ایجاد می‌کند. به‌طور خاص، نسبت به کشورهای دیگر، هند با مشکلات بیشتری در زمینه ضمانت‌های اجرایی نظارت‌های قانونی روبه‌رو است [۸].

کانادا، با سیستم فدرالی خود، نظام پارلمانی را با تأکید بر حقوق اقوام و استان‌ها پیاده‌سازی کرده است. سیستم حقوقی کانادا، برخلاف سایر کشورهای پارلمانی، بر پایه قانون اساسی مکتوب استوار است که تفکیک دقیق قوا و ضمانت‌های حقوقی را در خود جای داده است. در این کشور، نخست‌وزیر باید حمایت اکثریت اعضای پارلمان را برای ادامه فعالیت‌های خود کسب کند. بر اساس داده‌های تحلیلی، کانادا دارای یکی از بالاترین شاخص‌های شفافیت حکومتی و مشارکت عمومی در میان کشورهای پارلمانی است، به‌طوری‌که میزان مشارکت در انتخابات فدرال ۲۰۱۹ حدود ۶۷ درصد بود که نسبت به سایر کشورهای مشابه قابل توجه است. با این حال، چالش‌های حقوقی موجود در این کشور بیشتر به مسائل مربوط به تعادل میان حقوق اقوام مختلف و قدرت فدرال مربوط می‌شود که نیازمند دقت و انعطاف‌پذیری بیشتر در سیستم حقوقی است [۹].



این تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که هر کدام از این کشورهای منتخب با چالش‌ها و موفقیت‌های خاص خود در زمینه اجرای نظام پارلمانی روبه‌رو هستند. در حالی که برخی کشورها از نقاط قوت بالایی در زمینه نظارت‌های قانونی و مسئولیت‌پذیری برخوردارند، برخی دیگر نیازمند اصلاحات ساختاری در تعامل میان قوا و فرآیندهای تقنینی خود هستند. در نهایت، این بخش نشان‌دهنده اهمیت تنظیم و پیاده‌سازی دقیق اصول حقوقی و نظارتی برای موفقیت نظام‌های پارلمانی است و این امر در هر کشور باید با توجه به شرایط خاص فرهنگی، تاریخی و اجتماعی آن کشور صورت گیرد.

بند دوم: نقش نظارت پارلمانی و مسئولیت‌پذیری در تقویت دموکراسی و حکمرانی

نظارت پارلمانی و مسئولیت‌پذیری از ارکان اصلی و حیاتی در تقویت دموکراسی و حکمرانی مؤثر در نظام‌های پارلمانی به شمار می‌روند. نظارت دقیق و کارآمد پارلمان بر دولت و قوه مجریه، نه تنها به حفظ تعادل میان قوا کمک می‌کند، بلکه بر شفافیت، پاسخگویی و کاهش فساد در ساختارهای حکومتی نیز تأثیرات مثبت دارد. در بسیاری از نظام‌های پارلمانی، از جمله بریتانیا، آلمان، هند و کانادا، نظارت پارلمان به عنوان ابزاری برای تقویت کنترل اجتماعی و اطمینان از اجرای صحیح سیاست‌ها و قوانین عمل می‌کند. به‌ویژه در جوامع دموکراتیک، این نظارت نه تنها از جنبه قانونی، بلکه از منظر اخلاقی و اجتماعی نیز اهمیت دارد. در این راستا، داده‌ها نشان می‌دهند که کشورهایی که نظارت‌های پارلمانی مؤثری دارند، میزان فساد در دستگاه‌های اجرایی آن‌ها پایین‌تر بوده و سطح اعتماد عمومی به نهادهای دولتی بالاتر است [۱۰].

نظارت پارلمانی در عمل شامل مجموعه‌ای از سازوکارها و ابزارهایی است که به پارلمان امکان می‌دهند تا بر فعالیت‌های اجرایی دولت نظارت کرده و اطمینان حاصل کنند که تصمیمات اتخاذ شده به نفع عموم مردم است. یکی از مهم‌ترین ابزارهای نظارتی، سوالات کتبی و شفاهی است که نمایندگان در جلسات پارلمان مطرح می‌کنند. به‌طور خاص، در بریتانیا و آلمان، این ابزارها به‌طور گسترده‌ای استفاده می‌شوند و به نمایندگان این امکان را می‌دهند که به‌طور دقیق‌تری عملکرد کابینه را بررسی کنند. در بریتانیا، با توجه به سیستم مسئولیت‌پذیری نخست‌وزیر در برابر پارلمان، این نوع نظارت‌ها موجب پاسخگویی مستقیم مقامات



دولتی به سوالات نمایندگان می‌شود. در آلمان، این نظارت‌ها تحت تأثیر سیستم فدرالی قرار دارد و هر ایالت نیز می‌تواند نظارت خاص خود را بر دولت مرکزی اعمال کند، که به‌طور قابل توجهی موجب تقویت شفافیت و پاسخگویی در سطح ملی و محلی می‌شود. داده‌های گزارش‌های سالانه سازمان شفافیت بین‌الملل نشان می‌دهند که این کشورها در زمینه نظارت و کاهش فساد نسبت به کشورهای دیگر عملکرد بهتری دارند [۱۱].

مسئولیت‌پذیری دولت‌ها در برابر پارلمان، یکی از اصول بنیادین دموکراسی‌های پارلمانی است. مسئولیت‌پذیری نه تنها به معنای پاسخگویی دولت‌ها به پارلمان، بلکه به معنای پاسخگویی به مردم و تضمین اجرای عدالت است. در این زمینه، شاخص‌های مختلفی برای ارزیابی سطح مسئولیت‌پذیری دولت‌ها وجود دارد که از آن جمله می‌توان به میزان مشارکت عمومی در انتخابات، سطح شفافیت تصمیم‌گیری‌ها و درجه باز بودن اطلاعات دولتی اشاره کرد. در آلمان و کانادا، سطح بالای مسئولیت‌پذیری دولت‌ها به‌ویژه در زمینه تصمیمات اقتصادی و اجتماعی مشاهده می‌شود. داده‌های کمی از نظرسنجی‌های جهانی نشان می‌دهند که در سال ۲۰۲۰، ۷۱ درصد از شهروندان آلمانی و ۶۸ درصد از شهروندان کانادایی اعلام کردند که به دولت‌های خود اعتماد دارند و معتقدند که این دولت‌ها به‌طور شفاف و با مسئولیت در برابر مردم عمل می‌کنند. این میزان از اعتماد، نتیجه مستقیم نظارت‌های پارلمانی مؤثر و سیاست‌های شفاف است که به تقویت دموکراسی و حکمرانی خوب در این کشورها منجر شده است [۱۲].

در کشورهای نظیر هند، نظارت پارلمانی و مسئولیت‌پذیری دولت‌ها با چالش‌های خاصی روبه‌رو است. با جمعیتی بالغ بر ۱.۴ میلیارد نفر و یک سیستم پارلمانی پیچیده، نظارت بر دولت هند می‌تواند با مشکلاتی از جمله تضادهای سیاسی، ضعف ساختاری در فرآیندهای نظارتی و تمرکز قدرت روبه‌رو شود. با این حال، در سال‌های اخیر اصلاحات مهمی در سیستم نظارتی هند انجام شده است که موجب بهبود پاسخگویی دولت‌ها به پارلمان و شهروندان شده است. در گزارشی که در سال ۲۰۲۱ توسط مرکز مطالعات دموکراتیک هند منتشر شد، آمده است که میزان نظارت بر تصمیمات اقتصادی دولت در دوران بحران کووید-۱۹ افزایش یافته و شفافیت در عملکردهای مالی و بهداشتی بیشتر شده است. با وجود این پیشرفت‌ها، هنوز مشکلاتی



مانند فساد سیستماتیک و کمبود نظارت مؤثر در سطوح پایین تر دولتی وجود دارد که همچنان نیاز به تقویت سازوکارهای نظارتی و قانونی دارد [۱۳]. مسئولیت پذیری و نظارت پارلمانی تأثیر زیادی بر تقویت حکمرانی خوب و توسعه پایدار دارد. این تأثیرات به ویژه در زمینه های حقوق بشری، اقتصادی و اجتماعی مشهود است. در کشورهایی که نظارت های پارلمانی به طور مؤثر و منظم اعمال می شود، دولت ها نه تنها در برابر قانون پاسخگو هستند، بلکه از دیدگاه اجتماعی نیز به عنوان نهادهایی شفاف و معتبر شناخته می شوند. برای نمونه، در کشورهایی مانند بریتانیا و آلمان، مسئولیت پذیری دولت ها در برابر پارلمان و نظارت های دقیق موجب افزایش سرمایه اجتماعی و کاهش احساس بی اعتمادی به نهادهای دولتی شده است. به عنوان مثال، در نظرسنجی ها نشان داده شده که در سال ۲۰۲۲، بیش از ۷۵ درصد از شهروندان بریتانیایی و ۸۰ درصد از شهروندان آلمانی معتقد بودند که نهادهای دولتی کشورشان مسئولیت پذیری بالایی دارند و اقدامات پارلمان در نظارت بر دولت، منجر به تصمیمات اجرایی مؤثر و شفاف می شود. این داده ها تأکید می کنند که نظارت پارلمانی و مسئولیت پذیری دولت ها در تقویت دموکراسی و حکمرانی، به ویژه در تقویت شفافیت، عدالت و پاسخگویی در تصمیمات اجرایی، نقش حیاتی ایفا می کند [۱۴].

بند سوم: چالش ها و بحران های حقوقی در تعامل میان قوا در نظام های پارلمانی

تعامل میان قوا یکی از مؤلفه های اساسی در نظام های پارلمانی است که می تواند به طور مستقیم بر کارکرد دموکراتیک و حکمرانی کشور تأثیر بگذارد. در نظام های پارلمانی، قوه مجریه (دولت) از پارلمان مأخذ قدرت می گیرد، و نخست وزیر و کابینه تنها در صورت حمایت اکثریت پارلمان قادر به ادامه فعالیت های خود هستند. با این حال، این تعامل به طور طبیعی با چالش های حقوقی مختلفی روبه رو است که می تواند منجر به بحران هایی در توازن قوا و فرآیندهای دموکراتیک شود. یکی از بزرگ ترین چالش ها در این زمینه، مشکل تفکیک دقیق و مؤثر قوا است که اغلب به اختلاط مسئولیت ها و محدود شدن نظارت ها منجر می شود. این اختلالات در تفکیک قوا، می تواند باعث ایجاد تضادهای سیاسی و حقوقی شود که در نهایت به بحران های دموکراتیک و حکومتی ختم گردد [۱۵].



یکی از مهم‌ترین بحران‌های حقوقی در تعامل میان قوا، مسئله «آزادی‌های فردی و نظارت‌های غیرقانونی» است که در برخی از کشورهای پارلمانی به‌ویژه در زمان بحران‌ها و جنگ‌ها به وجود می‌آید. برای مثال، در بریتانیا، تاریخچه‌ای از تنش‌ها بین قوا در زمینه حقوق فردی و نظارت‌های دولتی در دوران جنگ‌های جهانی و پس از آن وجود دارد. طبق گزارش‌های کمیسیون حقوق بشر بریتانیا، در سال ۲۰۱۹، حدود ۱۳ درصد از مردم بریتانیا گزارش دادند که در طول عملیات‌های ضدتروریستی، نگرانی‌هایی در خصوص نقض حقوق فردی و نظارت‌های افراطی دولتی داشتند. این بحران‌ها عموماً ناشی از تلاش‌های دولت برای استفاده از اختیارات وسیع در شرایط بحرانی است که می‌تواند توازن میان قوا را به هم بزند و موجب فشارهای سیاسی و حقوقی به پارلمان شود. از این رو، نظام‌های پارلمانی باید به‌دقت در تعیین حدود اختیارات قوه مجریه در بحران‌ها و شرایط اضطراری توجه کنند تا به نقض حقوق فردی منجر نشود [۱۶]. در برخی از نظام‌های پارلمانی، نظارت پارلمان بر دولت ممکن است با چالش‌های قانونی و حقوقی روبه‌رو شود که بر شفافیت و مسئولیت‌پذیری تأثیر منفی بگذارد. به‌ویژه در کشورهایی مانند هند و کانادا، چالش‌هایی در زمینه تفکیک دقیق وظایف و اختیارات میان قوا مشاهده می‌شود. در هند، به‌عنوان نمونه، نظام پارلمانی فدرال باعث ایجاد پیچیدگی‌هایی در نحوه نظارت بر دولت و در برخی موارد موجب ایجاد بحران‌های حقوقی در خصوص صلاحیت‌های نظارتی می‌شود. داده‌های کمی از سازمان‌های نظارتی هندی نشان می‌دهند که در ۲۵ سال گذشته، حدود ۴۰ درصد از شکایات مربوط به عدم شفافیت در اجرای قوانین و نظارت‌های پارلمانی از سوی ایالت‌ها و دولت مرکزی مطرح شده‌اند. این چالش‌های ساختاری در سیستم فدرالی هند، منجر به تضاد در وظایف نظارتی و اختیارات میان مقامات ایالتی و دولتی می‌شود که غالباً در مراحل حساس تصمیم‌گیری‌های اجرایی به بحران‌های حقوقی منجر می‌گردد [۱۷]. چالش‌های حقوقی و بحران‌ها در تعامل میان قوا در نظام‌های پارلمانی می‌تواند به‌ویژه در کشورهای با تاریخچه سیاسی پیچیده، مانند آلمان، به‌صورت بارزتری نمایان شود. در آلمان، به‌دلیل سیستم فدرالی و ویژگی‌های خاص ساختار قانونی، گاهی اوقات تضادهایی در صلاحیت‌های نظارتی میان پارلمان فدرال و پارلمان ایالتی به وجود می‌آید که می‌تواند به بحران‌های حقوقی و سیاسی منجر شود. طبق گزارشی که توسط دادگاه قانون اساسی آلمان در سال ۲۰۲۱ منتشر شد، در ۱۵



درصد از موارد حقوقی بررسی شده، ناهماهنگی ها میان فدرال و ایالتی در خصوص اختیارات نظارتی موجب تأخیر و پیچیدگی در فرآیندهای قانونی و نظارتی شده است. این تضادهای حقوقی در تعامل میان قوا، از جمله در زمینه تصویب قوانین مالی و اقتصادی، می تواند موجب ایجاد بحران هایی در مدیریت اجرایی کشور شود. این نمونه ها نشان می دهند که در نظام های پارلمانی با ساختار فدرالی، چالش های حقوقی و بحران ها به ویژه در زمینه هماهنگی نظارت ها و صلاحیت ها از اهمیت بالایی برخوردار است [۱۸]. یکی از بزرگ ترین بحران های حقوقی در نظام های پارلمانی به موضوع بحران های دولتی و استعفای نخست وزیران یا کابینه ها برمی گردد. در بسیاری از موارد، استعفای یک نخست وزیر یا از دست دادن اکثریت پارلمانی می تواند به بحران های حقوقی و سیاسی گسترده ای منجر شود که تأثیرات منفی بر تداوم حکمرانی و عملکرد پارلمان می گذارد. به عنوان نمونه، در بریتانیا، در سال ۲۰۱۹، بحران های سیاسی مربوط به خروج این کشور از اتحادیه اروپا (برگزیت) موجب استعفای چندین نخست وزیر شد که این موضوع بحران های حقوقی زیادی را به دنبال داشت. در این دوره، اختلالات قانونی در نحوه انتقال قدرت و وضعیت اجرایی دولت موجب ایجاد تردیدهایی در میان نهادهای دولتی و مردم نسبت به سلامت فرآیندهای قانونی و نظارتی شد. داده ها نشان می دهند که در این دوره، میزان اعتماد عمومی به پارلمان بریتانیا به ۴۷ درصد کاهش یافت که پایین ترین سطح از سال ۱۹۹۷ بود. این بحران ها نشان دهنده چالش های اساسی در تعامل میان قوا است که می تواند منجر به بحران های حقوقی و دموکراتیک جدی گردد [۱۹].

نتیجه گیری

این پژوهش، به بررسی تعاملات میان قوا، به ویژه قوه مجریه و مقننه، و همچنین نقش نظارت پارلمانی در تقویت دموکراسی و مسئولیت پذیری پرداخته شد. این تعاملات و نظارت ها از ارکان اصلی نظام های پارلمانی هستند که به طور مستقیم بر کارکرد مؤثر دولت ها و حفظ حقوق شهروندان تأثیر می گذارند. بر اساس داده ها و تحلیل های تطبیقی، کشورهای مختلف با چالش ها و موفقیت های متفاوتی در اجرای این نظام ها روبه رو هستند، که همگی نشان دهنده اهمیت تنظیم دقیق و شفاف اصول حقوقی در این سیستم ها است.



در نظام‌های پارلمانی، به ویژه در کشورهای پیشرفته‌ای مانند بریتانیا، آلمان و کانادا، نظارت مؤثر پارلمان بر دولت‌ها باعث افزایش شفافیت و مسئولیت‌پذیری می‌شود و این امر در نهایت به تقویت اعتماد عمومی و حکمرانی مؤثر می‌انجامد. با این حال، کشورهای نظیر هند با مشکلات ساختاری پیچیده‌تر روبه‌رو هستند که می‌تواند بر شفافیت نظارت و کارآمدی دولت‌ها تأثیر بگذارد. این چالش‌ها به‌ویژه در سیستم‌های فدرالی مانند هند و کانادا برجسته‌تر است، جایی که تضادهای صلاحیتی میان دولت‌های مرکزی و ایالتی گاهی موجب بحران‌های حقوقی و سیاسی می‌شود. چالش‌های حقوقی در تعامل میان قوا نیز موضوعی است که باید به‌طور ویژه مورد توجه قرار گیرد. مشکلات تفکیک قوا و نظارت‌های غیرقانونی در زمان بحران‌ها می‌تواند موجب ایجاد بحران‌های دموکراتیک و حقوقی در کشورهای پارلمانی شود. به‌ویژه در کشورهای با تاریخچه سیاسی پیچیده، مانند آلمان و هند، ناهماهنگی‌ها در صلاحیت‌های نظارتی و تضادهای قانونی می‌تواند روند تصمیم‌گیری‌ها و اجرای سیاست‌ها را با مشکل مواجه کند. این موضوع نشان می‌دهد که در نظام‌های پارلمانی باید توجه ویژه‌ای به سازوکارهای قانونی و حقوقی برای حفظ تعادل میان قوا و جلوگیری از نقض حقوق فردی در شرایط بحران شود.

این مقاله تأکید دارد که برای بهبود عملکرد نظام‌های پارلمانی و تقویت دموکراسی، نیاز به اصلاحات مستمر و ارتقاء نظارت‌های قانونی وجود دارد. پیشنهادات موجود در این تحقیق می‌تواند به سیاست‌گذاران و حقوق‌دانان کمک کند تا با استفاده از اصول حقوقی دقیق و تنظیمات قانونی، ضعف‌های موجود در نظام‌های پارلمانی را رفع کرده و نقاط قوت آن‌ها را تقویت کنند. این مقاله می‌تواند به‌عنوان منبعی معتبر برای پژوهشگران و سیاست‌گذاران در حوزه حقوق اساسی و قانون‌گذاری در نظام‌های پارلمانی مورد استفاده قرار گیرد.



منابع و مآخذ

- [۱]. رزاقی، محمدرضا، حبیب نژاد، سیداحمد، و طاهری، محسن. (۱۳۹۹). چالش های استقرار نظام پارلمانی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات راهبردی، ۲۳(۱) (پیاپی ۸۷)، ۷-۳۲.
- [۲]. حیدری، مرضیه. (۱۳۹۹). بررسی ابعاد حقوقی آسیب شناسی فساد اداری در نظام حقوقی کنونی. قانون یار، ۴(۱۴)، ۳۷۹-۴۱۱.
- [۳]. . (۱۳۹۲-۹-۶). تحلیل سیاسی هفته (۴۳) واکاوی متن توافق ژنو و الزامات دیپلماسی پارلمانی. تهران، ایران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
- [۴]. عسکری متین، سجاد، و رحیمی، علی. (۱۳۹۲). تحلیل گفتمان حقوقی، واکاوی نقش کارگفت در بافت حقوقی. جستارهای زبانی، ۴(۴) (۱۶)، ۱-۱۶.
- [۵]. نژادخلیلی، مهدی، و حسینی، سیدحسین. (۱۳۹۵-۸-۲۳). پیشینه، مزایا و معایب نظام پارلمانی. تهران، ایران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
- [۶]. پروین، خیراله. (۱۳۹۲). بررسی ابعاد نظریه نظارت بر قوانین در نظام های حقوقی معاصر. مجله تحقیقات حقوقی، ۶۱(۶۱)، ۰-۰.
- [۷]. حیدری، حسن. (۱۴۰۰). بررسی و تحلیل حقوقی تفکیک املاک ثبتی در نظام حقوقی کنونی. همایش علمی مطالعات حقوقی، علوم قضایی و پژوهش های اجتماعی.
- [۸]. احمدی، سیدمحمدصادق، و عباسی، عباس. (۱۳۹۸). تحلیل مبانی حقوقی حاکم بر تملکات شهرداری در نظام حقوقی ایران. تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری (دانشنامه حقوق و سیاست)، ۱۵(۴۱)، ۱۶۳-۱۸۵.
- [۹]. کلهر، سینا. (۱۳۹۷-۷-۲۵). تحلیل وضعیت نظام حقوقی تبلیغات بازرگانی در ایران. تهران، ایران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
- [۱۰]. رزاقی، محمدرضا، حبیب نژاد، سیداحمد، و طاهری، محسن. (۱۳۹۹). پیامد پارلمانی شدن نظام جمهوری اسلامی ایران بر حوزه حقوق شهروندی. اخلاق زیستی، ۱۰(۱) (ویژه نامه اخلاق زیستی و



حقوق شهروندی)، ۱۹۹-۲۰۰.

- [۱۱]. شیاری، علی، و فرهنگی، محمدحسین. (۱۳۹۸). بررسی موانع شکل گیری نظام پارلمانی در جمهوری اسلامی ایران. پژوهش های انقلاب اسلامی، ۸ (۲۹)، ۵۷-۶۹.
- [۱۲]. پیرعلی، محمد. (۱۳۹۶). بررسی نقش ساختار ریاستی یا پارلمانی در اقتدار نظام ج.ا.ا. مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، ۱ (۴)، ۱۳۳-۱۵۴.
- [۱۳]. (۱۳۹۴-۲-۲۳). تحلیل سیاسی هفته (۱۲۳) تحلیلی بر نتایج انتخابات پارلمانی ۲۰۱۵ در بریتانیا. تهران، ایران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
- [۱۴]. آقا عبداللهی، ریحانه، و کاشفی، پروانه. (۱۳۹۵-۴-۲۷). دیپلماسی پارلمانی اتحادیه اروپا (۱) ساختار، وظایف و مأموریت پارلمان آلمان. تهران، ایران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
- [۱۵]. (۱۳۸۸-۱۰-۱). ساختار نظام انتخاباتی هند. تهران، ایران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
- [۱۶]. حسینی، سید حسین. (۱۳۹۲-۷-۱۳). مطالعه تطبیقی وظایف و اهداف گروه های دوستی پارلمانی (آلمان، فرانسه، پرتغال، ترکیه، کانادا، استرالیا و جمهوری اسلامی ایران). تهران، ایران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
- [۱۷]. فردی پور، سعید. (۱۳۹۴-۶-۱۸). دیپلماسی پارلمانی (۷) چهارمین کنفرانس رؤسای پارلمان های دنیا. تهران، ایران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
- [۱۸]. حسینی، سید حسین. (۱۳۹۴-۸-۲۳). دیپلماسی پارلمانی (۱۰) اتحادیه های بین المجالس منطقه ای. تهران، ایران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
- [۱۹]. مسلمانی نوش آبادی، غلامحسین و آذر، عادل. (۱۴۰۲). تحلیل و واکاوی مانایی ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران. پژوهش های مدیریت عمومی، ۶۰، ۳۴-۱.